

آسیب‌شناسی نقش آموزه‌های شفاهی در عدم ثبات رهجویان، در برنامه معتادان گمنام از منظر مبانی دینی

نعمت‌الله کرم‌اللهی^۱

چکیده

از منظر بسیاری از ناظران حوزه اعتیاد، برنامه معتادان گمنام موفق‌ترین برنامه برای بهبودی افرادی است که قصد غلبه بر مسئله اعتیاد به مواد مخدر را دارند؛ برنامه‌ای متشکل از شبکه حمایتگر به‌عنوان پایه‌ای محکم برای آینده‌ای روشن که به‌عنوان آخرین مأمین معتادان، امیدوارانه توجه شمار زیادی از آنان را به خود جلب کرده است. اما این برنامه، به‌رغم کنترل مصرف مواد مخدر در مراحل اولیه، می‌تواند رهجویان را دستخوش عوارض ناگوار اعتقادی کند و به‌وسوسه منجر به مصرف و عود عمیق اعتیاد بینجامد؛ عوارضی که افزون بر ریشه داشتن در مبانی معرفتی این برنامه، ممکن است برآمده از کج‌فهمی و تفسیر غلط متون رسمی از سوی افراد راهنما باشد. بنابراین، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آموزه‌های شفاهی جلسات ان‌ای چه نقشی در عدم ثبات و بازگزش رهجویان دارد. این مقاله، با تحلیل متون رسمی انجمن ان‌ای و نیز داده‌های به‌دست‌آمده از مشاهده مشارکتی حضور در جلسات انجمن، بر آن است تا نوام شدن آموزه‌های شفاهی منبعث از فقدان معرفت دینی، درک سطحی از متون انجمن و عدم تطابق این متون با فرهنگ دینی جامعه ایران را از منظر دینی آسیب‌شناسی کند. براساس نتایج این تحقیق، عواملی مانند «فهم و تفسیر غلط از متون توسط گروه‌های مرجع»، «معنویت سکولار خارج از چهارچوب شریعت»، «نفوذ جریان‌های کاذب معنویت‌گرا» و «فضای دگم و تغییرناپذیر حاکم بر جلسات» که توسط آموزه‌های شفاهی به اعضا منتقل می‌شود، تأثیر اساسی بر لغزش و عدم ثبات رهجویان برنامه معتادان گمنام دارند.

■ واژگان کلیدی

انجمن معتادان گمنام؛ لغزش؛ آموزه‌های شفاهی؛ روحانیت بدون دین؛ جریان‌های کاذب معنویت‌گرا.

۱- مقدمه

در هر برنامه‌ای ممکن است کاستی‌هایی ناظر به اهداف و چشم‌انداز آن یافت شود. از این رو، بر عهده برنامه‌ریزان است که با آسیب‌شناسی روشمند، افزون بر شناسایی کاستی‌ها، همت خود را مصروف رفع آن‌ها و افزایش اثربخشی آن برنامه کنند.

هرچند برنامه دوازده‌گانه معتادان گمنام، به گواه ناظران، در بسیاری از زمینه‌ها به موفقیت‌هایی دست یافته و بسترساز بهبود رهجویان شده است، اما مانند هر برنامه بشری، از آسیب و آفت مبرا نیست. عدم ثبات رهجویان که در بسیاری از موارد به لغزش و عود مصرف مواد مخدر منجر می‌شود، یکی از مهم‌ترین و پریسامدترین آسیب‌هایی است که به‌رغم اجرای دقیق متن برنامه - بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دینی - دامن‌گیر اعضای انجمن می‌شود؛ بازگشت‌های هول‌انگیزی که هربار شدیدتر از قبل، گرفتاران خود را دستخوش ناامیدی عمیقی می‌کند. در این صورت، با از دست رفتن توانمندی اولیه و شکننده به‌دست‌آمده از اجرای برنامه، دیگر بار اطرافیان دچار تبعات ناشی از بازگشت اعتیاد فعال می‌شوند، اما این بار سهمگین‌تر!

با توجه به ریشه داشتن بنیادهای معرفتی و اجتماعی برنامه معتادان گمنام در زیست‌بوم فرهنگی و شرایط اجتماعی جامعه غربی و آمریکایی، مبانی معرفتی و شرایط اجتماعی خاستگاه این برنامه بر مفروضات و به‌تبع آن بر فضای کلی برنامه و رفتارهای موردانتظار در هر قدم، سایه افکنده است. هرچند برنامه معتادان گمنام با فرهنگ دینی و ارزش‌های اجتماعی جامعه ما بیگانه است، اما در عین حال، متون رسمی این برنامه، جست‌وجوگری در آموزه‌ها و باورهای فاقد انحراف را به‌عنوان بهترین ابزار حرکت در طریق روحانی باثبات معرفی کرده است. براساس آموزه‌های رسمی برنامه، «طریق روحانی، رهجویان را به ارتباطی مستحکم و پایدار با خداوند رهنمون می‌سازد. چگونگی این ارتباط، تا اندازه زیادی به فرهنگ اجتماعی [و الگوهای ارزشی جامعه هدف] بستگی دارد» (کمیتة نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۹۱: ۱۷). این مطلب بیانگر انطباق‌پذیری و امکان بازتفسیر برنامه در مواجهه با فرهنگ‌های گوناگون است، اما آنچه که در عمل به مخاطبان برنامه ارائه می‌شود وابستگی تنگاتنگی با نوع ادراک و تفسیر مربیان/راهنمایان و افرادی دارد که به‌رغم ضعف معرفت دینی و فقدان جایگاه علمی و نیز فقدان سابقه برجسته و قابل قبول در رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی تا قبل از ورود به انجمن، اینک به افراد مرجع، تأثیرگذار و راهبر در انجمن معتادان گمنام تبدیل شده‌اند.

آسیب‌های این برنامه از دو جهت قابل بررسی است. نخست، آسیب‌های ناشی از متون رسمی برنامه به‌عنوان یک مرام‌نامه - آموزه‌های مکتوب - و دوم که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، آسیب‌های ناشی از چگونگی ادراک و تفسیر شخصیت‌های تأثیرگذار انجمن از متون رسمی و انتقال این نحوه تفسیر به رهجویان (آموزه‌های شفاهی). اگرچه به شخصی بودن این تفاسیر اذعان می‌شود، اما آنچه که در عمل، در گروه‌های مختلف انجمن معتادان گمنام با هماهنگی و وحدت رویه به اجرا در می‌آید، به میزان زیادی متأثر از دیدگاه‌ها و نظرات شخصیت‌های باسابقه انجمن است.^۱

۱-۱. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، پژوهشگرانی که به موضوع انجمن معتادان گمنام پرداخته‌اند، تحقیقات خود را از منظرهای مختلف، از جمله منظر روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و دینی دنبال کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به دو تحقیق ذیل اشاره کرد که تناسب بیشتری با موضوع مقاله حاضر دارند:

- صفورا احمدی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «تبیین اصول و مبانی اندیشه NA (معتادان گمنام) و بررسی و تحلیل آن از منظر معارف اسلامی»، با هدف تبیین اصول انجمن، به‌زعم خود به تحلیل و بررسی این برنامه از منظر معارف اسلامی پرداخته است. متأسفانه نویسنده در این نوشته، با انتساب مواضع نادرست و غیرواقعی برگرفته از تصورات ذهنی خود، به برنامه معتادان گمنام تاخته و آن را مورد نقد مخرب قرار داده است. پرواضح است که نگارنده این پژوهش از کمترین آگاهی نسبت به این برنامه برخوردار نبوده است.^۲

- هادی قاسم‌زاده (۱۳۹۴)، در پژوهش پیمایشی خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی معتادان NA و تداوم ترک اعتیاد»، با تحلیل رگرسیونی رابطه سرمایه اجتماعی و تداوم ترک اعتیاد، نتیجه گرفته است که با افزایش سرمایه اجتماعی، می‌توان

۱. البته مریبان/راهنماهای متدینی نیز در انجمن حضور دارند که متعهدانه عمر خود را وقف هدایت رهجویان در زمینه تخصصی خود کرده‌اند، هرچند که در اقلیت هستند.

۲. در این نوشته، مواردی به چشم می‌خورد که با کمترین جست‌وجو در موتورهای جست‌وجو، نقض آن هویدا می‌شود. از آن جمله این مطلب که «این در حالی است که کم نیستند در دنیا کشورهایی همچون اسرائیل [رژیم غاصب صهیونیستی]، روسیه، چین و ... که مجوز فعالیت به این گروه را نداده‌اند و حتی کشوری چون روسیه و چین افرادی که مبلغ این اندیشه بوده‌اند را از کشورشان بیرون رانده و...» درحالی‌که با یک جست‌وجوی ساده در گوگل، به‌راحتی به صفحات فعال NA در کشورهای مورداشاره، راهنمایی می‌شوید. یا این مطلب که «در این انجمن، ذکر گناهان امری مطلوب و لازم شمرده می‌شود و هرکس که به گناهان بیشتر و با جزئیات دقیق‌تری اعتراف کند، مورد تشویق قرار می‌گیرد و این امر باعث می‌شود افراد معتاد، به هر عمل منکر و خلاف دین و اخلاقی که انجام داده‌اند با گستاخی تمام اعتراف کنند و همه افراد با جزئیات، با دزدی یا خیانت یا عمل منافی عفت معتاد دیگر آشنا شوند». این مطلب کذب محض است و نشان‌دهنده آن است که نگارنده اطلاعات خود را مستقیماً و بی‌واسطه از این انجمن کسب نکرده است. چه‌بسا ارائه مطالب کذب و غیرواقعی از این گروه‌ها، باعث گمراهی تصمیم‌گیران و متولیان فرهنگی در مواجهه با آن‌ها شود.

بسیاری از عوامل گرایش به اعتیاد را در معتادان کاهش داد و باعث تداوم ترک در معتادان در حال بهبودی شد. زیرا این شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی با کاهش هزینه‌های درمان، احتمال موفقیت فرایند بهبودی را افزایش می‌دهند.

واکاوی گذرای پژوهش‌های ناظر به انجمن معتادان گمنام، بیانگر فقدان پژوهشی نقادانه در باب آموزه‌های شفاهی این انجمن است؛ به این معنا که تاکنون نقدی درون‌نگرانه و مبتنی بر مشاهده مشارکتی نسبت به آموزه‌های شفاهی برنامه معتادان گمنام ارائه نشده است. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا براساس داده‌های به‌دست‌آمده از تجربه زیسته ناشی از بیش از ده سال سابقه حضور و کنشگری فعال در جلسات عمومی انجمن، آموزه‌های شفاهی خارج از متن رسمی این برنامه، از حیث تطابق و عدم تطابق تفاسیر گروه‌های مرجع از متن مکتوب برنامه با ارزش‌های فرهنگ اسلامی، مورد بررسی انتقادی قرار گیرد.

۲- مفهوم‌شناسی

این مبحث با شرح مختصری از فضای مفهومی مهم‌ترین مقولات مرتبط با مسئله پژوهش ادامه می‌یابد.

آسیب‌شناسی دینی: به‌کارگیری آسیب‌شناسی در حیطه تفکرات و موضوعات دینی، با هدف کشف کاستی‌ها، آفات و صدماتی است که ممکن است به امر دین و دین‌داری جامعه وارد آید (حداد عادل، ۱۳۷۴، شماره ۵: ۵۵)

آسیب‌شناسی دینی به دنبال شناخت، کشف و خنثی‌سازی انحرافات و پیشگیری از بازگشت دوباره کژکارکردهایی است که از جامعه دینی و ماهیت آموزه‌های اسلام انتظار آن نمی‌رود. به بیان دیگر، آسیب‌شناسی دینی عبارت است از «شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است وارد شود» (دژاکام، ۱۳۷۷: ۴).

در این پژوهش، منظور از آسیب‌شناسی دینی عبارت است از بررسی انتقادی آموزه‌های شفاهی - باورها یا رفتارهایی که راهنمایان در جلسات انجمن به رهجویان منتقل می‌کنند و ممکن است بعضاً با آموزه‌های مکتوب انجمن نیز مغایر باشد - از حیث انطباق یا عدم انطباق با آموزه‌های اسلامی.

حقیقت بیماری اعتیاد: بنابر تجربیات میدانی، می‌توان حقیقت بیماری اعتیاد را به شرح ذیل تعریف کرد:

«هرگونه زیاده‌خواهی در لذت‌جویی به‌گونه‌ای که برای استمرار آن، مرتکب کارهایی شود که به تدریج سلامت عقل را دچار آسیب کند. تکرار چندباره این عادات ناپسند، فرد را دچار وابستگی پیش‌رونده برای درک تجربه دوباره لذتی خواهد کرد که به‌مرور، از میزان آن کاسته می‌شود تا اینکه به خاموشی و بی‌اثری کامل برسد.»

انجمن معتادان گمنام^۱: این انجمن که به‌اختصار NA نامیده می‌شود، یک انجمن بین‌المللی غیرانتفاعی از زنان و مردانی است که اعتیاد به مصرف مواد مخدر مشکل اصلی زندگی آنان بوده است. این انجمن متشکل از معتادان در حال بهبودی است که به‌طور منظم گرد هم می‌آیند تا به کمک تجربیات افرادی که از مصرف‌رهایی یافته و توانمند شده‌اند، پاک بمانند. روش بهبودی از بیماری اعتیاد در انجمن معتادان گمنام، بر مبنای ارزش درمانی «کمک یک معتاد به معتاد دیگر» است.

برنامه بهبودی NA (دوازده‌قدم): برنامه بهبودی NA یا همان درمان «دوازده‌قدم»، برنامه‌ای متشکل از مجموعه‌ای از اصول روحانی است که برای بهبودی از اعتیاد، وسواس‌های رفتاری و دیگر مشکلات رفتاری در دوازده مرحله تعلیم داده می‌شود.

دوران عذاب: دورانی که معتاد هنوز به انجمن و تعالیم آن ورود نکرده است. مقابل آن، «دوران بهبودی» است که معتاد برنامه معتادان گمنام را پیگیری می‌کند.

آموزه‌های شفاهی: ارائه برنامه دوازده‌قدم براساس تفسیر و برداشت‌های اعضای باسابقه، منطبق با سطح دانش و الگوهای ذهنی خود. چه‌بسا نسبت این آموزه‌ها با متون رسمی انجمن، نسبت تباین باشد. از این‌رو، در آموزه‌های رسمی انجمن، در موارد متعدد، از اعضا خواسته شده است که اصول برنامه را به شخصیت‌ها ترجیح دهند (کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۸۵: ۲۰۶).

آموزه‌های مکتوب: متون رسمی و اصول ثابت برنامه ان‌ای که به‌عنوان یک مرام‌نامه از سوی کمیته نشریات خدمات جهانی انجمن معتادان گمنام - واقع در ایالت کالیفرنیا - تنظیم و ابلاغ می‌شود. کمیته خدمات جهانی NA، با هرگونه دست‌کاری و حذف‌واضافه منجر به تغییر متون

رسمی انجمن، شدیداً برخورد کرده و اعلام می‌دارد که تنها مرجع رسمی اعمال‌کننده هرگونه خلاقیت و تجربه کمک‌کننده به برنامه، صرفاً «کمیته خدمات جهانی NA» واقع در ایالت کالیفرنیا آمریکا است.

عدم ثبات: رفت و برگشت و ناپایداری فرد موردتعلیم در انجمن معتادان، بین اصول دوازده‌گانه قدم و افکار بیمارگونه اعتیاد که او را به عود مصرف ترغیب کرده و به لغزش و مصرف مواد مخدر می‌انجامد. به باور برنامه معتادان گمنام، لغزش علامت این است که در برنامه و یا ارائه آن، خلایقی وجود دارد (همان، ۱۳۸۸: ۷۹).

راهنما و رهجو: راهنما یک عضو باتجربه در حال بهبودی در انجمن‌های گمنام است که مسئولیت راهنمایی یک معتاد دیگر را که اغلب تازه‌وارد است و رهجو نامیده می‌شود، بر عهده می‌گیرد تا او نیز بتواند با کارکرد دوازده‌گانه قدم، در مسیر بهبودی قدم بردارد. رابطه میان راهنما و رهجو رابطه‌ای داوطلبانه، غیررسمی و برآمده از ماهیت برنامه‌های دوازده‌گانه قدم است که صرفاً براساس تبادل تجربیات، نیرو و امید اعضای انجمن با یکدیگر انجام می‌شود. برای بسیاری از رهجویان، راهنما به‌عنوان نماد انجمن محسوب می‌شود و رهجو اثربخشی انجمن‌های گمنام را با توجه به کیفیت رابطه خود با راهنمایش مورد قضاوت قرار می‌دهد. بر همین اساس، راهنما مسئولیت بزرگی بر عهده دارد، چراکه رفتار وی منعکس‌کننده اثربخشی و کارایی انجمن‌های گمنام است. اعضا بر این باورند که رابطه راهنما و رهجو یک بخش حیاتی در فرایند بهبودی است و به همراه دوازده قدم و دوازده سنت، یکی از اصول پایه‌ای برنامه بهبودی NA به حساب می‌آید. ارزش درمانی کمک یک معتاد به معتاد دیگر در این رابطه به‌خوبی نشان داده می‌شود.

۳- روش تحقیق

داده‌های این مقاله با استفاده از منابع مختلف اطلاعاتی، از جمله بررسی متون رسمی انجمن و نیز حضور و مشارکت بیش از ده‌ساله در جلسات ان‌ای گردآوری شده است. اطلاعات به‌دست‌آمده نیز ابتدا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده است تا نقاط ضعف ارائه برنامه دوازده‌گانه قدم انجمن معتادان گمنام، با استناد به آموزه‌های شفاهی مطرح‌شده در جلسات NA شناسایی شوند و سپس، با اتخاذ موضع آسیب‌شناسانه، تلاش شده است تا با نقد منطقی آموزه‌های شفاهی این برنامه براساس مبانی و ارزش‌های فرهنگ اسلامی، افزون‌بر تبیین ریشه‌های عدم

ثبات اعضای این گروه و لغزش و عود مصرف مواد مخدر در آن‌ها، چرایی وقوع انحرافات اعتقادی و چالش‌های هویتی و رفتاری در میان برخی از رهجویان و اعضای انجمن براساس این آموزه‌ها توضیح داده شود.

۴- یافته‌ها

تشکیلات مرکزی انجمن NA با هدف پیشگیری از سوءاستفاده و تکرور احتمالی نقض‌کننده چهارچوب برنامه و زایل‌کننده اصالت آن در امر بهبودی، با هرگونه دست‌کاری و حذف‌واضافه تغییردهنده متون رسمی انجمن، شدیداً برخورد کرده و اعلام می‌دارد که اعمال هرگونه خلاقیت و تجربه کمک‌کننده به برنامه، صرفاً از مجرای «کمیته خدمات جهانی NA» واقع در ایالت کالیفرنیا، آمریکا امکان‌پذیر است. انجمن با این کار، مسئولیت کامل پیامدهای ناشی از متون رسمی خود را پذیرفته است.

در عین حال، برنامه در چگونگی انتقال مفاهیم به مخاطبان، توصیه به انعطاف داشته و دارد. به‌عنوان نمونه، برنامه از رهجویان می‌خواهد که از خداوند درخواست داشته باشند، اما بدون مشخص کردن یک طریق مشخص، این کار را به ادراک شخصی مخاطبان واگذار می‌کند: «چگونگی نحوه درخواست ما از خداوند، به احتمال قوی، بستگی به نوع درک ما از خداوند دارد» (کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۹۱: ۱۱۳). لزوم اختیار کردن یک طریق روحانی و انعطاف در چگونگی جست‌وجوی آن، از دیگر توصیه‌های این برنامه است: «قدم یازدهم این امکان را به ما می‌دهد که طریق روحانی خود را پیدا کنیم و یا اگر از قبل داشته‌ایم، آن را پالایش کرده و ارتقا دهیم. این اقدامات تا حد زیادی به فرهنگ اجتماعی ما بستگی دارد» (همان: ۱۷۸)؛ یعنی یافتن طریق روحانی و چگونگی آن، به نظام ارزشی جامعه هدف بستگی دارد و این همان مقوله بومی‌سازی است که عملاً در انجمن معتادان ایران مورد غفلت واقع شده است.

گردانندگان انجمن معتادان گمنام در ایران، مانند بسیاری از مردم عادی، متأثر از عوامل مختلف از جمله آسیب‌دیدگی فرهنگی، در تعامل با مفاهیم واردشده از جهان مدرن، منفعلانه عمل می‌کنند و داشته‌های خود را در مقابل آن کوچک می‌شمارند تا آنجا که حاضر نیستند در آموزش‌های شفاهی خود، ذره‌ای از مصادیق موضوعات مطرح‌شده در نشریات انجمن که متناسب با زیست‌بوم معرفتی و اجتماعی غرب نگاشته شده است، فاصله بگیرند و به این واقعیت توجه نمی‌کنند که اولاً این برنامه جهانی نوشته شده است و ثانیاً اکثر مخاطبان آن به‌علت فقر فرهنگی

و تهی بودن از معارف توحیدی، حتی از ارتباط ساده با خداوند هم عاجز هستند و این برنامه درصدد توجه دادن آن‌ها به ارتباط با خداوند، حتی با یک دعای ساده، خالصانه و از اعماق دل است. فضای غالب در آموزه‌های شفاهی انجمن ان‌ای در ایران، بی‌توجه به دو موضوع فوق، معتاد موحدالاعتقاد اما دچار سوءرفتار را به بهانه اجرای فرامین متون رسمی، از دین و مذهب بر حذر می‌دارد و احکام دینی را مختل فرایند بهبودی می‌شمارد. از این‌رو، لازم است با درک درست و تخصص کافی، این برنامه را براساس نظام ارزشی و آموزه‌های فرهنگ اسلامی که مورد تأکید متن آموزه‌های NA نیز هست، بومی‌سازی کرد.

به‌رغم سکوت متن برنامه در قبال دین‌داری - و این ممکن است براساس مصلحت رنجش باشد -^۱ پس از آنکه در قدم ششم، نقش معتاد را در بروز این رنجش‌ها مشخص کرد، در قدم هفتم او را به این واقعیت متوجه می‌سازد که هرچه بیشتر از خداوند فاصله بگیرد، کمتر او را در زندگی خود احساس خواهد کرد. بنابراین، اکیداً به استحکام ارتباط با خداوند توصیه می‌کند. از این‌رو، از مخاطبان خود در سراسر دنیا می‌خواهد، طریق و مذهب روحانی را براساس نظام ارزشی جامعه خود تنظیم کنند. واقعیتی که متأسفانه از سوی گردانندگان و راهنمایان ایرانی انجمن نادیده انگاشته می‌شود.

در ادامه، با ابتنا بر مشاهده مشارکتی جلسات عمومی انجمن معتادان گمنام، برخی از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از آموزه‌های شفاهی انجمن، در قالب چهار محور «فهم و تفسیر نادرست متون از سوی گروه‌های مرجع»، «روحانیت در مقابل معنویت»، «مراقبه/مدیتیشن و کسب آگاهی از اراده خداوند» و «جریان‌های انحرافی» بیان می‌شود.

۴-۱- فهم و تفسیر نادرست متون از سوی گروه‌های مرجع

غالب آسیبهایی که به اهداف برنامه وارد می‌شود، ناشی از تفاسیر و برداشت‌های خطا و حداقلی و بی‌تناسب با آموزه‌های وحیانی از متون آموزشی انجمن، توسط گروه‌های مرجع است که با سازوکار رأی «وجدان گروه» به‌عنوان یک مفهوم تثبیت‌شده، دائماً تکرار می‌شود. این برداشت، از اساس، با اهداف متون رسمی برنامه انجمن معتادان گمنام منافات دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. رنجشی که معتادان در زمان مصرف از رفتار دین‌داران متحمل شده‌اند که آن‌ها را دچار دین‌زدگی و یا دین‌گریزی کرده است.

یکی از جزواتی که در بدو ورود به انجمن، توسط گروه به تازه‌واردان اهدا می‌شود،^۱ جزوه‌ای است با عنوان «برنامه معتادان گمنام چیست؟» که به شرح برنامه پرداخته است. در این جزوه آمده است که گروه NA مستقل و فاقد هرگونه وابستگی سازمانی است: «با هیچ سازمان سیاسی، مذهبی و یا انتظامی ارتباطی نداریم و هرگز تحت‌نظر نبوده و نیستیم.»^۱ این عبارت، به‌وضوح از عدم وابستگی سازمانی انجمن سخن به میان می‌آورد، نه از حساسیت انجمن نسبت به دین و گریزان بودن از آن. هرگونه موضع منفی و سلبی پیشینی انجمن نسبت به دین می‌تواند عامل عدم جذابیت آن برای مخاطبان ایرانی باشد؛ چه‌بسا بسیاری از معتادان واجد وابستگی و دل‌بستگی‌های دینی بوده و موضع‌گیری متون رسمی انجمن علیه مذهب، آن‌ها را از پیوستن به انجمن و دریافت پیام جهانی معتادان گمنام باز دارد.

فهم غلط از این عبارت موجب شده است که اعضا در «آیین مشارکت» که عهده‌دار ابراز هر نوع احساسات و افکار کمک‌کننده به بهبودی است، از بیان احساسات و افکار دینی احتراز کنند و یا آنکه توسط جمع و گروه از بیان آن‌ها باز داشته شوند. مشاهدات و تجربیات محقق نشانگر مخالفت نسبت به بیان هرگونه لفظ دینی از سوی اعضا در جلسات آن‌ای است و گاهی حتی بر زبان آوردن واژه «بسم‌الله» در ابتدای معرفی اعضا از خود، با تذکر راهنمایان مواجه شود. البته منظور از الفاظ دینی، الفاظ منتسب به دین اسلام است. اگرچه ممکن است این رفتار سلبی آنان نسبت به دین، ناشی از رفتار و واکنش دین‌داران در زمان مصرف در قبال رهجویان بوده باشد، اما اولاً رفتار دین‌داران نمی‌تواند مینا و معیار داوری در باب اصل دین باشد، و ثانیاً در قدم ششم قرار بر این است که رهجویان سهم خود را در بروز رنجش‌هایی که در قدم چهارم بر روی کاغذ آورده‌اند، بررسی و پیدا کنند. چه‌بسا بسیاری از رنجش‌های معتادان، در زمان مصرف و حتی بعد از آن، طبق آموزه‌های متن برنامه، از رفتار نسنجیده و بیمارگونه خود آنان نشئت گرفته باشد.

۱. جزوات مورد اشاره در این مبحث که پمفلت نیز نامیده می‌شوند، از لحاظ شکلی یا به‌صورت تک‌صفحه‌ای هستند و یا به‌صورت یک کاغذ A4 تاخورد شبیه یک بروشور، اما با بروشور تفاوت‌هایی دارند. بروشورها بیشتر کاربرد تجاری دارند و نوعاً دارای صفحات بیشتری نسبت به پمفلت‌ها هستند. همچنین در بروشور از تصاویر استفاده می‌شود، درحالی‌که در پمفلت تمرکز بر روی محتوای متنی است. از پمفلت‌ها در کمپین‌ها و معرفی رویدادها استفاده می‌شوند. پمفلت‌های انجمن معتادان گمنام، از لحاظ محتوایی دربردارنده یک فکت از مفاهیم و اصول ثابت انجمن و دارای محتوای جهان‌شمول است، لذا فاقد تاریخ و اعتبار زمانی هستند.

در قسمت دیگری از همان جزوه، در معرفی انجمن آمده است: «هر کس که مایل باشد، بدون در نظر گرفتن سن، مذهب، نژاد و جنسیت می تواند به ما بپیوندد.» این عبارت، در عمل، این گونه تفسیر شده است: «هر کس که مایل است به ما بپیوندد، باید مذهبش را کنار بگذارد.» گویی شرط حضور در جلسه عمومی انجمن، کنار نهادن باورها و ارزش های دینی است. این در حالی است که این گزاره، با اعلام موضع لایشرط انجمن در قبال پیوستن اعضای جدید، عواملی مانند سن، مذهب، نژاد و جنسیت یک معتاد در حال عذاب را مانع دسترسی او به خدمات انجمن نمی داند. اما افکار بیمارگونه، با ادامه همان مسیر بیماری که آموزه های انجمن رهجویان خود را از آن بر حذر می دارد، از میان عوامل مختلف، تنها عامل «مذهب» را برجسته کرده است. این تلقی، همان طور که بیان شد، یا ناشی از کج فهمی است و یا تحت تأثیر فشار جریان های معنوی کاذب خارج از انجمن است که با ایجاد جو صمیمی در پی شکار این افراد هستند و به مرور، با القای نظر خود به رهجویان، نوع تفکر خود را بر گروه تحمیل می کنند.

همچنین در پمفلت «چرا اینجا هستیم؟»، عبارتی وجود دارد که آن را به صورت تقطیع شده و در جهت منظور خود تفسیر می کنند. در این جزوه آمده است: «در نهایت، بسیاری از ما کارمان به زندان ها کشیده شد. بسیاری دست به دامن پزشکان، روان پزشکان، و یا مذاهب شدیم...» در این خصوص، چنین القا می کنند که تنها راه نجات، راهی است که انجمن مشخص می کند و این راه، متفاوت از راه هایی است که گروه های دیگر اعم از پزشکان و یا کارشناسان حوزه دین بیان کرده اند؛ چراکه در صورت مؤثر بودن آن راه ها، ما اکنون در این جایگاه قرار نداشتیم. این در حالی است که این جزوه که در مقام بیان چرایی حضور معتادان در این انجمن است، علت را نه در ناکارآمدی پزشکان یا اثربخش نبودن آموزه های مذاهب، بلکه در ناکافی بودن آن ها می داند، چنانچه در ادامه متن به آن تصریح شده است: «اما هیچ یک از آن ها برای حل مشکل ما کافی نبود. بیماری ما همیشه یا دوباره عود می کرد و یا بدتر می شد تا عاقبت از روی ناچاری، در معتادان گمنام به یکدیگر پناه آوردیم.» و این طبیعی است زیرا رفع نیازهای بشری، افزون بر کسب دانش، مستلزم مهارت های ویژه ای است که با تلاش و خلاقیت انسان ها به دست می آیند و خداوند توانایی دستیابی به آن ها را در وجود انسان ها قرار داده است. اما در جلسات عمومی ان.ای، به کلی منکر توانایی و نقش موارد خارج از چهارچوب برنامه دوازده قدم، آن هم با تفسیر و برداشت اشتباه خود

می‌شوند. این در حالی است که مراجع رسمی NA در توضیح این برنامه سخنان متفاوتی دارند: «برنامه NA به ما مسئولیت‌پذیری را آموزش می‌دهد. ما یاد می‌گیریم مشکلات زندگی خود را به کمک آن‌هایی که به بهترین وجه می‌توانند به ما یاری دهند، حل کنیم. مثلاً اگر مشکل پزشکی دارید، به پزشک مراجعه کنید. اگر مشکل قانونی دارید به وکیل مراجعه کنید و...»^۱ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در متن برنامه، با ادبیاتی منطقی و عقلانی توصیه می‌شود که برای پاسخ به هر نیاز یا حل هر مشکلی، باید به متخصص آن رجوع کرد و بدیهی است که یکی از مشکلات و نیازهای اساسی انسان دین و معنویت است و سازوکار پاسخ به این نیاز نیز در ادیان و فرهنگ‌های مختلف بیان شده است.

در جایی دیگر از متون، در مقام بیان ضرورت سپردن زندگی و اراده خود به مراقبت و فرامین خداوند، بر آن است که ارتباط با خداوند، نیازمند شرایط ویژه‌ای نیست و هر کسی شایسته این ارتباط است. عبارتی که به دنبال دعوت خداوند برای اولین بار به صحنه زندگی اعضا است و می‌خواهد ترس آن‌ها را از این تصمیم برطرف نماید از این قرار است: «لزومی ندارد که ما مذهبی باشیم [تا اینکه بفهمیم سپردن اراده به خداوند، سلامت عقل را به ما باز می‌گرداند] هر کس می‌تواند این قدم [سوم] را بردارد. تنها لازمه آن تمایل است...» (کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶). یعنی انسان فطرتاً درک می‌کند که حرکت در عرض اراده خداوند نتیجه‌ای جز تباهی و خسارت در پی ندارد. فهم این مسئله نیازمند مذهبی و متشرع بودن فرد نیست. اما طنز ماجرا آنجاست که مسئله‌ای به این روشنی را نیز به دورترین و غیرممکن‌ترین برداشت آن تأویل می‌کنند. «دنبال اراده خدا باش و زندگی را به مراقبت خداوند بسپار. اما برای اینکه نتیجه بگیری، لازم نیست که مذهب خود را همه‌جا همراه داشته باشی»، چراکه ممکن است برای کسب اطلاع از اراده خداوند، در جلسات عمومی مباحثی به میان آید که با اصول مذهبی معتادان مغایرت داشته باشد. در صورت بروز تزاخم در انجمن، طبق سنت شفاهی، هر ادله‌ای غیر از ادله مطرح در انجمن مردود است و باید کنار گذاشته شود. این در حالی است که متون آموزشی انجمن، طریقه روحانی - مذهب - افراد را که موجب درک عمیق‌تری از حقایق می‌شود، تأیید می‌کند: «درحالی که بعضی از ما لازم می‌بینند طریقه جدیدی برای خود برگزینند، بعضی دیگر دقیقاً برعکس آن، اعتقاد

۱. عبارات داخل گیومه در این صفحه، از پمفلت «برنامه معتادان گمنام چیست؟»، از سری کمیته نشریات خدمات جهانی NA آورده شده است.

دارند که طریق روحانی‌ای که از کودکی به آن اعتقاد داشته‌اند به آن‌ها کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از حقایقی که در حین کارکرد قدم‌ها، بر آن‌ها آشکار شده، پیدا کنند» (همان: ۱۸۱). با توجه به اینکه این گام‌های دوازده‌گانه برای مخاطبان جهانی نوشته شده‌اند، باید توجه داشت که بسیاری از جوامع، حقیقتاً دارای ضعف بینش نسبت به حقیقت و واقعیت جهان خلقت هستند و به سبب فقر معرفتی، فرهنگ آن‌ها فاقد ظرفیت پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی بشر است. از این رو، افراد این جوامع دستخوش خلأ درونی و در نتیجه، بحران هویت می‌شوند؛ همان چیزی که انجمن هم در صدد ترمیم آن است. اما با آسیب‌هایی که گاه ریشه در متن برنامه دارند و گاه نیز به علت تفاسیر غلط بروز می‌کنند، معتادانی که بدون توسل به معنویت حاصل از دین، خود را صرفاً به گام‌های برنامه ان‌ای می‌سپارند، اغلب موفق به نیل به اهداف برنامه نمی‌شوند و به علت عدم جبران خلأ درونی، معمولاً دچار لغزش سوء مصرف و عود مجدد بیماری اعتیاد می‌شوند.

۴-۱-۱- تلقی روایت‌های شفاهی انجمن از ناکارآمدی دین و مذهب در بهبودی

سخنی که در ایران در میان اعضای انجمن مطرح است، این است که «در رهایی ما از اعتیاد، خیلی چیزها ناکارآمد بودند، از جمله دین و مذهب؛ تا اینکه ما با انجمن آشنا شدیم و همه چیزمان سامان یافت». یعنی انجمن و اصول آن که حاوی مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توصیه‌ها برای تنظیم روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت است، بالاتر از دین حنیف و جامعی تلقی می‌شود که همه این روابط به نحو اتم و اکمل در آن موجود است. این در حالی است که در متن آموزه‌های انجمن، یکی از علل فاصله‌گیری تدریجی از خداوند و کمرنگ شدن حضور او در زندگی، نحوه غلط تعامل با خداوند بیان شده است. تجربه زیسته طولانی مدت نگارنده از حضور در جلسات گوناگون انجمن، نشانگر ممانعت از بیان مباحث دینی در این قبیل جلسات است و با طرح بهانه منافات این قبیل مباحث با اصول انجمن و یا ایجاد اختلال در فرایند بهبودی اعضا، گوینده این مباحث را به سکوت وامی‌دارند. بنابراین، مشاهده می‌شود با این روش تربیتی، معتادان مسلمان شیعه‌ای که برای ترک معضل اعتیاد خود دست به دامن انجمن شده‌اند، به تدریج، نه تنها از عمل به احکام دینی فاصله می‌گیرند، بلکه حتی از شنیدن نام دین هم احساس انزجار کرده و به بهبودیافتگانی بی‌اعتنا و یا حتی معارض با دین تبدیل می‌شوند. این اتفاق غم‌انگیز نتیجه سطحی‌نگری اعضای پیشگام است، چراکه این افراد با اولین متونی که به صورت جدی در زندگی خود آشنا شده‌اند، همین متون انجمن است که اغلب نیز از درک و تفسیر صحیح آن عاجز هستند.

۴-۱-۲- جایگاه مفهوم بندگی الهی در آموزه‌های NA

مفهوم «بندگی»، در فرایند بهبودی برنامه معتادان گمنام، مفهومی کاملاً بیگانه است. غایت فرایند بهبودی، تبدیل اعضا به شهروندانی سربراه است؛ هدفی که بدون التزام به بندگی و حتی بدون اعتقاد به خداوند نیز دست‌یافتنی است. نکته قابل توجه اینکه هرچند در فرایند بهبودی، فضای حاکم بر جلسات شفاهی انجمن NA، با رد آموزه‌ها و روش تربیت دینی و اتخاذ موضع تقابلی در قبال آن، راه را بر ورود دین به انجمن می‌بندد، اما باید دانست که در حقیقت، مقوله «بی‌دینی» فاقد مصداق عینی است، چراکه دین برنامه و روش زندگی در شئون مختلف است که به تناسب اهداف، تبیین و انتخاب می‌شود. بنابراین، اگر کسی دین کامل، حق و الهی را نیافت یا درک نکرد یا نپسندید، حتماً دین ناقص، باطل، غیرالهی و برساخته‌ای هوای بشری را جایگزین آن کرده و براساس آموزه‌های آن، جهت‌گیری زندگی خود را تعیین می‌کند. از این رو، حملاتی که از سوی برخی از راهنمایان انجمن علیه ادیان الهی و به‌ویژه اسلام می‌شود و شعارهایی که تحت عناوینی چون بی‌دینی و بی‌مذهبی سر می‌دهند، فقط سرپوش و شگردی برای القا و تحمیل دین خود بر دیگران است.

۴-۱-۳- شکل‌گیری ماریپیج سکوت در جلسات انجمن

خانم نوئل نویمان (۱۹۷۳)، در توضیح سازوکار شکل‌گیری افکار عمومی از طریق رسانه، نظریه «ماریپیج سکوت» را ارائه کرد. فرضیه اصلی او این است که افکار عمومی محصول تعامل میان افراد و محیط اجتماعی است. نظریه ماریپیج سکوت مبتنی بر سه مفروض اصلی است. نخست، مردم از انزوا و فشار گروهی و قرار گرفتن در اقلیت ترس دارند. دوم، مردم برای پرهیز از انزوا و زیر فشار و تمسخر قرار گرفتن سکوت می‌کنند و سوم، مردم در رفتار و ارتباطات روزمره، متأثر از ذهنیت‌های دریافتی، به این ارزیابی می‌رسند که در گروه، اقلیت هستند یا اکثریت؛ بر این اساس، به‌موازات نشر عقاید خاص در فضای عمومی به‌عنوان عقاید غالب و مسلط، حمایت میان‌فردی از یک عقیده و تفکر به‌مرور ضعیف می‌شود و در نتیجه، تعداد افرادی که آشکارا عقیده و تفکر خود را بیان نمی‌کنند یا به تفکر القایی متمایل می‌شوند، افزایش پیدا می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲).

اگرچه متون آموزشی NA بنابر ملاحظات، به اعتقادات دینی اعضا احترام گذاشته و بر تأثیر مثبت این اعتقادات در تثبیت بهبودی صحه می‌گذارد، اما در عمل، فضای حاکم بر جلسات مختلف انجمن، با ایجاد یک «ماریپیج سکوت» فضای خاصی را حاکم می‌کند که فرصت طرح مباحث دینی

را از بین می‌برد و به تدریج به فراموشی آن‌ها منجر می‌شود. با شکل‌گیری ماریجسکوت، اعضا دائماً چیزی را بر زبان جاری می‌سازند که در ابتدای ورود به انجمن هیچ اعتقادی به آن نداشته‌اند و عقل آنان به باطل بودن آن حکم می‌کرده است. در نتیجه، در گذر زمان، دچار «از خودبیگانگی» می‌شوند و با مورد هجومه قرار گرفتن هویت انسانی‌شان، نه تنها از مسیر کمال دور می‌گردند، بلکه سلامتی جسمی و روحی آنان نیز دیگر بار به خطر می‌افتد.

۴-۲- روحانیت در مقابل معنویت

در آموزه‌های شفاهی توسط افراد باسابقه اما کم‌اطلاع، با معرفی دین به مثابه عامل تشمت و تفرقه، به اصرار به رهجویان القا می‌شود که ما در پی «روحانیت» هستیم و نه «معنویت». از دید آنان، معنویت برخاسته از دین، و دین نیز عامل درگیری، تفرقه و تشمت است و به همین علت، معنویت دینی باعث ایجاد اختلال در فرایند بهبودی می‌شود. این در حالی است که «ادیان توحیدی مظهر وفاق و هم‌بستگی‌اند و بیش از هر عامل دیگر، وحدت جامعه را تضمین می‌کنند. قرآن کریم از یک سو، مؤمنان ادیان دیگر را که صادقانه به آموزه‌های تحریف‌نشده پیامبران‌شان پایبندند، اهل نجات و رستگاری می‌داند و بدین وسیله مسلمانان را به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با آنان فرا می‌خواند و از سوی دیگر، وحدت جامعه در سایه آموزه‌های اسلام را از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند می‌شمارد» (یوسفیان، ۱۳۸۱: ۲۱).

۴-۲-۱- توصیه به کسب روحانیت بدون نیاز به التزام به دین

انجمن در باب نسبت مذهب و روحانیت بیان می‌دارد که «نباید مذهب را با روحانیت اشتباه گرفت. در NA آن‌ها به هیچ‌وجه یکی نیستند. برنامه معتادان گمنام خود یک مذهب نیست. این برنامه یک سری اصول روحانی را ارائه می‌کند و از یک سری مفاهیم مثل خداوند و نیروی برتر برای اعضا صحبت می‌کند تا آن‌ها بتوانند از این طریق، راهی را برای رهایی از اعتیاد فعال پیدا کنند... دوباره اعلام می‌کنیم که NA هیچ طریق روحانی رسمی یا تأییدشده‌ای ندارد»^۱ (کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

۱. این عبارات، بنا بر آنچه در نشریات رسمی آمده، برای رفع بی‌مهری‌ها و برخوردهایی است که ممکن است توسط عده‌ای، در جلسات، نسبت به طریق مذهبی دیگر اعضا صورت پذیرد. این‌گونه رفتارها ناشی از موضع رسمی انجمن نیست، بلکه حکایت از فعال بودن بیماری و نواقص مرتکبین دارد. اما منصفانه که بنگریم، متوجه خواهیم شد که این رفتارهای سرد و بعضاً ضد‌مذهبی، برآمده از نوع تربیت متون رسمی انجمن هستند که به اعضای خود اجازه می‌دهد هر طریقی را برای ایجاد ارتباط با خداوند در پیش گیرند. خواه مورد تأیید سلسله‌مراتب آموزه‌های توحیدی باشند یا برآمده از طریق غیرتوحیدی ناشی از استیلاء نفسانیات.

اگرچه اعضا می‌توانند اصول روحانی و مفهوم نیروی برتر را از طریق روحانیت خارج از NA پیگیری کنند، اما برنامه با یک چرخش هیجانی، به این نکته اشاره می‌کند که آموزه‌های NA این قابلیت را نیز دارند که خود به‌عنوان یک مذهب اخذ شوند؛ «اصول روحانی و مفهوم نیروی برتر می‌تواند خود طریقی روحانی برای اعضا باشد. انتخاب با خود عضو است» (همان: ۱۸۱).

با آنکه برنامه، به‌طور مستمر از اعضای خود که نوعاً فاقد دانش و معرفت لازم مذهبی هستند، درخواست می‌کند که در طریق روحانی خود جست‌وجوگر باشند و یا مذهب فطری خود را پالایش کرده و ارتقا دهند، اما به‌صورت پیش‌رونده و نرم، این نکته را هم القا می‌کند که البته هرچه بیشتر جست‌وجو کنید، به این نتیجه خواهید رسید که مذهب شما جواب‌گوی مسائلتان نبوده است. «بعضی از ما به این نقطه رسیده بودیم، ولی خودمان هم نمی‌دانستیم که مذهب یا فلسفه‌ای که سال‌ها پیرو آن بودیم جواب‌گوی مسائل ما نبود، اما نمی‌توانستیم جایگزین بهتری نیز پیدا کنیم» (همان: ۱۸۲)، تا اینکه با انجمن معتادان گمنام آشنا شدند!

۱۳۱

آموزه‌های شفاهی انجمن، با پشتوانه متون رسمی خود، این نقطه از مسیر را که در آن، اعضا در جست‌وجوی یافتن راهی برای درک حقیقت نیروی برترند، نقطه آغاز مهم‌ترین سفر زندگی آن‌ها می‌داند. متن آموزه‌های برنامه معتادان گمنام توصیه می‌کند که باید با بازبینی باورهای خود، آن‌ها را در جهت استحکام روابط اعضا با خداوند تقویت کرد، اما در کنار موجه دانستن تقویت هر باور از قبل داشته‌ای که به بهبودی کمک می‌کند، گریزی هم به یک طریقه خاص می‌زند، مثل طریقه همه‌حق‌پنداری پلورالیستی و یا رویکرد منفعت‌پایه پراگماتیستی که البته با توجه به فرهنگ خاستگاه اصلی این برنامه، این امر طبیعی می‌نماید که در چهارچوب ارائه برنامه‌ای در جهت متوقف کردن اعتیاد فعال معتادان دیگر جوامع، در فکر استیلای فکری و فرهنگی خود بر آن‌ها نیز باشد.

براساس این آموزه‌ها، در فرایند ارتقای درک نیروی برتر، احتمالاً به همه مکان‌هایی که رنگ‌وبویی از روحانیت دارند سر خواهیم زد و کتاب‌های زیادی را در رابطه با روحانیت و رشد فردی خواهیم خواند و با افراد زیادی مشورت خواهیم کرد و در این مسیر، ممکن است چند صباحی پیرو مذهب و فلسفه‌ای شویم و در زمان دیگری، یکی دیگر را انتخاب کنیم و یا شاید از همه آن‌ها روی‌گردان شویم. اما روشی که پیشنهاد می‌دهد بیش از انتخاب یک دین سلیقه‌ای چیز دیگری نیست: «کتاب چگونگی عملکرد می‌گوید که اغلب اعضای ما گلچین و منتخبی از مکاتب

و مذاهب مختلف را به عنوان روحانیت برمی‌گزینند. اگر این مورد در رابطه با ما صدق می‌کند، مهم است که بدانیم هیچ مشکلی نیست و ما می‌توانیم به این شکل نیازهای روحانی خود را به خوبی برطرف کنیم» (همان: ۱۸۱).

در ادامه این متون، توسط گروه و به واسطه آموزش‌هایی که از سوی غالب راهنمایان به رهجویان توصیه می‌شود، این روش بهترین راه برای اقناع نیازهای روحی رهجویان معرفی می‌شود و به موازات سخن گفتن از مضرات مذاهب و ادیان ابراهیمی، رهجویان خود را به کسب معنویت از طرق غیردینی تشویق می‌کنند.

۴-۲-۲- معنویت سکولار، غایت روحانیت در انجمن

همان‌گونه که آمد، ضدیت عمدی با دین، آن‌هم در جمعی که تقریباً همه آنان را موحدان مسلمان تشکیل می‌دهند، تا جایی ادامه می‌یابد که حتی نسبت به واژه «معنویت» نیز واکنش نشان داده و با تلقی آن به مثابه واژه‌ای برخاسته از دین، از واژه جایگزین آن، یعنی «روحانیت» استفاده می‌کنند.

لازم به ذکر است که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی، معنویت در غیر معنای دینی و عرفانی به کار برده می‌شود. در معنای مدرن، برخلاف عرفان که تجربه وحدت هستی و دین بر محور خداپرستی است، معنویت بیشتر صبغه اخلاقی و روحی داشته و به زندگی سالم از جهت روانی و اخلاقی اشاره دارد که در آن، تقویت روح یا معنویت - یا در اصطلاح انجمن «روحانیت» - از طریق تمرین‌هایی مانند مراقبه (مدیتیشن) به گونه‌ای که موجب درکی عمیق‌تر از خود و بهبود زندگی شود، میسر می‌شود. مقوله روحانیت همان آرمانی است که نهایت آرزوی آموزه‌های NA است. این گرایش همان معنویت بدون دین یا جست‌وجوی معنویت در خارج از دین است. معنویت سکولار^۱ نوعی طبیعت‌گرایی^۲ است که ریشه در تفسیر دنیایی از هستی دارد. کسانی هستند که خود را معنویت‌گرا و نه دین‌گرا^۳ می‌دانند؛ درست همان چیزی که در برنامه انجمن گاهی به اعضا نیز توصیه می‌شود.

1. Secular spirituality
2. Naturalism
3. Spiritual but not religious

۴-۳- مراقبه/مدیتیشن و کسب آگاهی از اراده خداوند

یکی از پرتکرارترین گزاره‌هایی که در متن برنامه با آن مواجهیم «زندگی براساس اراده خداوند» است. اگرچه برنامه ان‌ای راه‌های دستیابی به اراده خداوند را گوناگون معرفی کرده است، اما مراقبه (مدیتیشن) را یکی از راه‌های مورداطمینان در این خصوص معرفی می‌کند. معرفی و مورد وثوق بودن یک راه غیروحیانی کافی است تا بدون در نظر گرفتن سبقت فرهنگی و معرفتی ایرانیان در یکتاپرستی و معارف توحیدی، با یک برداشت حداقلی از واژه خداوند و اراده او، اهوای انسانی به‌مثابه معیار دستیابی به اراده برتر در نظر گرفته شود و «آنچه که حال انسان را خوب کند، منطبق بر اراده خداوند در نظر گرفته شود». این گزاره یکی از کلیدی‌ترین و پرکاربردترین عباراتی است که به خاستگاه فلسفی انجمن در فرهنگ سکولاریستی و اومانستی غربی اشاره دارد.

۴-۳-۱- محجوریت قرآن در آموزه‌های شفاهی

در انجمن NA، نسبت به متون رسمی پایبندی بسیار زیادی وجود دارد، تاجایی که بسیاری از اعضا بخش‌های مختلف متون را از حفظ دارند، درحالی‌که نسبت به متن کلام خداوند، آن‌هم خدایی که به ادعای آموزه‌ها به دنبال اراده اویند تا اراده و زندگی خود را به مراقبت او بسپارند، هیچ اهمیتی وجود ندارد و مصرانه خود را از شفا و رحمت قرآنی محروم می‌کنند. از آنجاکه رهنمون‌های قرآن ما را به عمیق‌ترین نوع ارتباط با خداوند متعال فرا می‌خواند، روحانیت برخاسته از تجلی آموزه‌های قرآنی می‌تواند در درون رهجویان قدرتی ایجاد کند که جبران‌کننده کاستی‌های اخلاقی و شخصیتی آنان باشد و آن‌ها را در ایجاد فضائل اخلاقی و پیمودن مسیر بهبودی یاری رساند.

«قدرت شگفت‌انگیز متون»، و «نیاز به حضور خداوند» دو عبارتی است که اعضای انجمن در محافل خود بسیار از آن‌ها سخن می‌رانند، اما به این حقیقت اذعان ندارند که نسخه کامل‌تر آن در کلام خداوند متعال موجود است. در واقع، در برخی از مجالس، هر موضوعی که رنگ مذهب داشته باشد مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. لاف‌در جلسات عمومی، این رویه حاکم است و به تقلید از فرهنگ غرب، دین را در علاج مشکلات اساسی خود ناکارآمد می‌بینند و با چشم بستن بر واقعیت اصالت دین اسلام و تحریف‌شدگی دین مسیحیت، عملاً رهجویان را از بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزه‌های توحیدی اسلام در فرایند بهبودی محروم می‌کنند.

۴-۳-۲- عدم التفات به طریق وحیانی، عامل ایجاد خلأ درونی منجر به لغزش

ایجاد ارتباط با خداوند و تحکیم آن از مسیری غیر از آنچه خداوند جهت هدایت بشر معرفی کرده است، طنز تلخی است که نتیجه‌ای جز عمیق‌تر شدن خلأ درونی رهجویان نخواهد داشت. انسان بدون ارتباط تعالی‌بخش وجودی با آفریدگار خود، دائماً در معرض احساس خلأ خواهد بود. این احساس نیز بر اضطراب‌های درونی او می‌افزاید. احساس ضعف درونی، همراه با احساس فقدان تکیه‌گاه آرامش‌بخش و پرکننده خلأ درونی رهجویان، از علل عمده لغزش و روی آوردن آنان به مصرف مجدد است، چراکه در واقع، حرکت رهجو در مسیری اشتباه - هرچند در موارد جزئی به‌خوبی عمل کرده باشد، اما به‌علت کاستی‌ای که در نحوه تفسیر برنامه و ارائه آن وجود دارد - او را به هدف نهایی این برنامه، یعنی از میان برداشتن موانع میان رهجو و خداوند ناائل نمی‌کند: «طی دوران بهبودی، مهم‌ترین چیزی که در نتیجه کار کرد قدم‌ها به دست می‌آوریم، موفقیت ما در برقراری ارتباط با خداوند است. نتیجه کوشش‌های اولیه ما تصمیمی بود که در قدم سوم موفق به گرفتن آن شدیم و پس از آن، به انجام بقیه قدم‌هایی پرداختیم که هدف از طرح این قدم‌ها، از میان برداشتن موانعی است که بین ما و خداوند وجود دارند» (کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

۱۳۴

مشاهدات و تجارب میدانی نشان‌دهنده سست شدن ارتباط با خداوند و حضور کم‌رنگ اراده او در زندگی رهجویانی است که اراده خود را تسلیم فرایند درمانی برنامه معتادان گمنام کرده‌اند. کشف اراده خداوند با معیار تمایلات نفسانی، در حقیقت، پی بردن به اراده خود انسان است. این آموزه که ادعا دارد «اراده خداوند همان است که احساس خوشایندی را در درونمان برانگیزد»، چیزی نیست جز تبعیت از اهوای نفسانی که غیر از دوری از خالق و عمیق‌تر شدن خلأ درونی، برای معتاد در حال بهبودی ارمغان دیگری به همراه نخواهد داشت.

۴-۴- جریان‌های انحرافی

یکی از واقعیت‌های موجود در جلسات ان‌ای، نفوذ جریان‌های انحرافی در حاشیه این جلسات است. اگرچه این امر هیچ‌گاه مورد تائید انجمن نبوده و در عمل، با هر عامل ایجادگر اختلال در فرایند بهبودی معتادان گمنام به‌شدت برخورد می‌شود، اما ممکن است این جریان‌ها با عضوگیری از اعضای باسابقه و دارای هوادار، بتوانند به تدریج راه خود را به این جلسات باز کنند. اعضای تأثیرگذار قدیمی که از دانش کافی برخوردار نبوده و یا دچار انحراف تدریجی اعتقادی شده‌اند، تازه‌واردان

را به ورطه‌ای می‌کشانند که هرچند در ابتدا با توقف مصرف مواد - نه بیماری اعتیاد - ممکن است بارقه‌ای از نور امید را در درونشان روشن سازد، اما در ادامه، به دلیل فاصله گرفتن از باورها و ارزش‌های دینی، به خودمحوری و اصالت تمایلات نفسانی دچار می‌شوند. این امر بسترساز سستی روزافزون ارتباط آنان با خداوند و تهی شدن از معنویت حقیقی و در نتیجه، ابتلا به خلأ درونی و گرایش به لغزش و مصرف مجدد در آنان می‌شود. لازم به یادآوری است که آموزه‌های انجمن، لغزش را معلول خلأ درونی می‌داند و یکی از معانی دیوانگی را پر کردن این خلأ با مواد مادی و دنیایی می‌داند. این در حالی است که مقوله‌ای بهتر از دین، برای پر کردن خلأ درونی وجود ندارد، چراکه «دین حقیقتی غیرمادی و روحانی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۴).

توجه به نکات فوق نشان می‌دهد که اصرار بر مذهب‌زدایی که روح حاکم و رسمی بر جلسات عمومی NA در ایران است، با متن آموزه‌های دوازده‌گانه منافات دارد. باید توجه داشت که «دین آمده است تا با طروات و لطافت ذاتی‌اش، جامعه را با همهٔ شئویش، و نفس انسانی را با همهٔ ظهوراتش، روشن و منور سازد و با طهارت و پاک‌اش، شست‌وشودهندهٔ همهٔ تیرگی‌ها و کدورت‌ها باشد» (همان: ۱۴).

۴-۴-۱- نفوذ جریان‌های کاذب معنویت‌گرا

همان‌طور که بیان شد، معتادانی که وارد انجمن می‌شوند، به‌علت خستگی و رنجش حاصل از زندگی نابسامان خود و تلاش‌های ناموفقی که به‌صورت انفرادی و سرخود انجام داده‌اند، به‌شدت تشنه راهی هستند که موجبات تغییر زندگی آن‌ها را از این وضعیت نکبت‌بار به یک وضعیت بسامان و باثبات فراهم آورد. از این‌رو، عزمشان جزم است و در یادگیری و عمل کردن بسیار کوشا و پیگیر هستند. اما از طرفی، به‌خاطر وضعیت مبهم و بلا تکلیف آموزه‌های انجمن نسبت به مفاهیم اساسی جهان‌بینی و معرفت‌شناسی، و واگذار کردن رهجویان به خود در یافتن طریقی برای ایجاد ارتباط با خداوندی که نه مشخص است و نه لازم است ویژگی‌هایی داشته باشد، فضای سردرگمی و تحیر را در جلسات برای اعضا ایجاد می‌کند.

عدهٔ کمی از اعضای انجمن، با بی‌توجهی به برخی از آموزه‌های انجمن معتادان گمنام که با باورها و احکام اسلامی منافات دارد، طریقی دینی خود را ادامه می‌دهند و به رفع کمبودها و اصلاح و تعمیق اعتقادات خود پرداخته و در نتیجه، نسبت به افراد عادی جامعه، رابطهٔ محکم‌تری با آموزه‌های دینی برقرار می‌کنند. اما اغلب اعضای انجمن، تحت تأثیر آموزه‌های مغایر با معارف

اسلامی و توحیدی قرار می‌گیرند، هرچند که ممکن است خود غافل از این اثرپذیری باشند. این افراد یا در حالت آنومیک و سردرگمی می‌مانند و یا به تکاپو می‌افتند تا برای کسب معنویت و ایجاد ارتباط با خداوند، جایگزینی برای اعتقادات مورد هجمه و تخریب قرار گرفته خود بیابند؛ هر راهی غیر از راهی که با آن بزرگ شده‌اند.

رابطه با گروه‌هایی که در اطراف انجمن مترصد جذب اعضا هستند، ابتدا با نیت راه ارتباطی جدید با خداوند بنا نهاده می‌شود. اما به‌علت کمی دانش و نیز عدم تزکیه نفس توسط اعضا، آنان قادر به تشخیص درست از غلط و حقیقت از مجاز نیستند و در دام مبلغین گروه‌های انحرافی گرفتار می‌شوند. اگرچه گروه‌های انحرافی به‌هیچ‌وجه مورد تائید انجمن معتادان گمنام نبوده و با نفوذ آن‌ها در انجمن، مقابله و برخورد جدی می‌شود، اما ارتباط‌گیری این گروه‌ها بیشتر از مجرای شخصیت‌های پرتطرفدار انجمن صورت می‌پذیرد. به‌رغم افزایش نفوذ جریان‌ات انحرافی در جلسات انجمن، هنوز مقاومت فرهنگی مانع از فراگیری و عادی شدن آن شده است؛ باین حال، با وضعیت فرهنگی موجود، فراگیر شدن نفوذ جریان‌ات انحرافی در آینده‌ای نه‌چندان دور، خارج از تصور نیست.

۵- نتیجه‌گیری

متن مکتوب برنامه دوازده‌مقدم انجمن معتادان گمنام، در مقام نظر، آموزه‌هایی چون نحوه ادراک خداوند، چگونگی برقراری ارتباط با او، روش اطلاع از اراده خداوند و عملکرد منطبق با این آموزه‌ها را ذیل ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف تعریف کرده است. بر این اساس، در صورت عمل به متون رسمی برنامه، ما باید در کشوری مانند ایران با مجموعه‌ای منطبق با ارزش‌های اسلامی روبه‌رو باشیم که معتادان با حضور و مشارکت در آن، علاوه بر ترک مصرف مواد مخدر، با بهره‌گیری از آموزه‌های فرهنگ اسلامی، به افرادی باثبات و البته معتقد و متشرع تبدیل شده باشند، اما در عمل، به‌علت گذار مفاهیم برنامه از مجرای آموزه‌های شفاهی، با پدیده‌ای متفاوت و بعضاً متضاد از تصورات مواجه می‌شویم؛ چراکه گروه‌های مرجع، با تفسیر غالباً نادرست خود از متون رسمی، به همراه توصیه به معنویت سکولار خارج از چهارچوب شریعت و جایگزینی مراقبه و مدیتیشن با مسیر حقیقی و فطری و حیانی و نیز نفوذ جریان‌ات انحرافی معنویت‌گرا، مجموعه‌ای از آموزه‌های شفاهی‌ای را ارائه می‌دهند که نتیجه عملی آن چیزی جز عدم ثبات و سردرگمی رهجویان نخواهد بود. بنابراین، یکی از مهم‌ترین عوامل عدم ثبات منجر به لغزش در این برنامه، «روح و فضای حاکم بر جلسات و آموزه‌های شفاهی» آن است؛ فضایی که فاصله‌ای روزافزون با

مبانی اعتقادی و ارزشی مذهب تشیع و فرهنگ ایرانی پیدا کرده و بر شکاف فرهنگی و اعتقادی رهجویان با ارزش‌های اعتقادی و اجتماعی می‌افزاید.

منابع

۱. احمدی، صفورا، ۱۴۰۱، تبیین اصول و مبانی اندیشه NA (معتادان گمنام) و بررسی و تحلیل آن از منظر معارف اسلامی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، دین‌شناسی، چاپ ششم، قم، انتشارات اسراء.
۳. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۷۴، استاد شهید مرتضی مطهری و آسیب‌شناسی دین و دین‌داری، پیام حوزه، شماره ۵.
۴. دژاکام، علی، ۱۳۷۷، تفکر فلسفی غرب از منظر شهید مطهری، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
۵. قاسم‌زاده، هادی، ۱۳۹۴، تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی معتادان NA و تداوم ترک اعتیاد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه مازندران.
۶. کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۸۸، کتاب پایه، مترجم: کمیته ترجمه، ویرایش ششم.
۷. کمیته نشریات خدمات جهانی NA، برنامه معتادان گمنام چیست؟
۸. کمیته نشریات خدمات جهانی NA، پمفلت چرا اینجا هستیم؟
۹. کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۸۵، چگونگی عملکرد، مترجم: کمیته ترجمه، چاپ اول، تهران، نشر ترقی.
۱۰. کمیته نشریات خدمات جهانی NA، ۱۳۹۱، راهنمای کارکرد قدم، مترجم: کمیته ترجمه، تهران، کیمیا اثر.
۱۱. مهدی‌زاده، مهدی، ۱۳۹۲، نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران، همشهری.
۱۲. یوسفیان، حسن، ۱۳۸۲، نیاز به دین، چاپ دوم، تهران، دانش و اندیشه معاصر.